

دربچه

علیرضا تابش، **مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی**؛

قصه‌معنابخش زندگی ماست

● علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، این فرضیه که تکنولوژی‌های جدید نقش قصه در زندگی بشر امروزی را کمرنگ کرده‌اند، رد می‌کند و حتی بر این باور است شاید بتوان عصر حاضر را «عصر قصه‌ها» نامید، چراکه در این عصر داستان و قصه، معنابخش زندگی ماست. تابش با تأکید بر اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با برگزاری جشنواره قصه‌گویی می‌تواند به پرورش خلاقیت افراد و آموزش تکنیک‌های داستان‌گویی و روایتگری کمک کند، گفت: جشنواره قصه‌گویی می‌تواند محل تبلور اهمیت قصه و قصه‌پردازی در فرهنگ و تمدن ایرانی باشد و شکی نیست در کشور ما به چنین جشنواره‌هایی که به شکل سنتی مهد روایت‌های متنوع و کارخانه خلاقیت در منطقه محسوب می‌شود، نیاز جدی وجود دارد. او در پاسخ به اینکه برگزاری چنین جشنواره‌هایی چقدر می‌تواند به افزایش سطح مطالعه در کشور کمک کند را نیازمند پژوهش و پیمایش دانست و گفت: آنچه من می‌توانم بگویم، این است که اگر در مفهوم مطالعه بازانديشي صورت گیرد و معنای سنتی مطالعه که صرفاً خوانش از روی متن مکتوب است با شرایط زمانه منطبق شود، آنگاه این جشنواره قطعاً تأثیر شگرف‌تری بر سطح مطالعه در کشور را نشان خواهد داد. این مقام مسئول سینمایی در بخش دیگری از صحبت‌هایش اظهار کرد: تکنولوژی‌های جدید، به‌ویژه اپلیکیشن‌ها، نه تنها نقش قصه در زندگی بشر امروزی را کمرنگ نکرده‌اند، بلکه شاید بتوان عصر حاضر، یعنی «عصر پسادیجیتال» را «عصر قصه‌ها» نامید، چراکه در این عصر است که داستان و قصه، معنابخش زندگی ماست و ما در هر حوزه و ساحتی از وجود خود، به قصه نیاز پیدا کرده‌ایم. آنها و خدمات جدیدی که به ما عرضه می‌شوند، همه در قالب قصه به ما ارائه می‌شوند و به ما توانایی قصه‌پردازی می‌دهند. او در پاسخ به اینکه تفاوت ذهنیت و اندیشه نویسندگان در رویکردشان به قصه‌گویی را با مردم عادی در چه مواردی می‌داند، گفت: میان نویسندگان و افراد عادی، در اصل توانایی قصه‌گویی تفاوتی نیست. همه ما انسان‌ها با قصه‌هایی که می‌پردازیم و داستان‌هایی که می‌سازیم، زندگی می‌کنیم و زندگی ما پر از خرده‌قصه‌هایی است که به زندگی‌مان معنا می‌دهد. واقعیت این است که در فلسفه امروز، بسیاری انسان را بر اساس توانایی قصه‌پردازی تعریف می‌کنند؛ یعنی اگر ارسطو انسان را حیوان ناطق تعریف می‌کرد، برخی انسان را حیوان قصه‌گو، تعریف کرده‌اند. تابش که دبیری شورا‌های متعدد تصمیم‌گیری را در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری بر عهده داشته است، پایان‌بندی صحبت‌هایش را به توصیه‌ای برای علاقه‌مندان به قصه‌گویی اختصاص داد و گفت: مهم‌ترین عنصر برای قصه‌پردازی، توانایی تفکر انتقادی و نگاه از بیرون به مجموعه سنتی است که به دست ما رسیده. آنچه میراث فرهنگی خوانده می‌شود، منبع و سرچشمه روایت‌هاست، پس مهم‌ترین توصیه برای تقویت قصه‌پردازی نمی‌تواند چیزی جز ترویج و گسترش اندیشه انتقادی در مواجهه با این میراث و نوسازی و بازسازی آن در قالب‌های جدید باشد.

بزرگداشت فریدون جیرانی در جشنواره فیلم فجر

● به پاس نزدیک به چهار دهه فعالیت حرفه‌ای و مؤثر در سینما، از فریدون جیرانی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر تجلیل خواهد شد. جیرانی که در ادوار جشنواره فیلم فجر به عنوان روزنامه‌نگار، منتقد، کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده و عضو هیئت انتخاب و داورى حضور مؤثری داشته، متولد ۱۳۳۰ در کاشمر است. او حضور در سینمای حرفه‌ای را در سال ۱۳۶۰ با نوشتن فیلم‌نامه فیلم «آفتاب‌نشین‌ها» تجربه و فعالیت در مطبوعات را با سردبیری در مجله سینما در سال ۱۳۷۰ آغاز کرد. فیلم‌های «صعود»، «فرموز»، «آب و آتش»، «شام آخر»، «صورتی»، «سالاد فصل»، «ستاره‌ها» و۳۱و۳، «پارکوی»، «قصه پریا»، «من مادر هستم»، «خوابزده‌ها»، «خفه‌گی» و «شفقتی» از ساخته‌های سینمایی جیرانی محسوب می‌شوند. سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده برگزار می‌شود.



پرویز پرستویی:

حضور در «آخرین داستان» برای من ادای دین است

انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» بعد از گذشت قریب به ۱۰ سال این روزها در سینماهای کشور در حال اکران است؛ انیمیشنی ایرانی که با برداشتی آزاد از قصه ضحاک شاهنامه ساخته شده و در جریان ساخت این انیمیشن به گفته سازندگان، بیش از هزار شغل ایجاد شده است. «آخرین داستان» تاکنون ۱۲ جایزه ملی و بین‌المللی را کسب کرده است. این انیمیشن برای نخستین‌بار در جشنواره بین‌المللی انسی ۲۰۱۸ رونمایی شد و امسال در فهرست اولیه انیمیشن‌های واجد شرایط رقابت اسکار حاضر شد.

رهگذر: در وطن خودمان غریب مانده‌ایم

اشکان رهگذر، نویسنده و کارگردان «آخرین داستان»، با اشاره به اینکه این انیمیشن حاصل تلاش نزدیک به یک دهه زندگی‌اش است، می‌گوید: «من، برادرانم و همه همکارانم در استودیو هورخش تمام تلاشمان را کردیم تا انیمیشن سینمایی در شان اسم فردوسی و شاهنامه بسازیم که افتخار قرنیه کند و همین اتفاق هم افتاد و ما موفق شدیم در مهم‌ترین جشنواره‌های دنیا حضور پیدا کنیم، کاندیدا شویم و جایزه بگیریم». او ادامه داد: «تاکنون حدود ۱۲ جایزه داخلی و خارجی برای «آخرین داستان» گرفته‌ایم که شش جایزه آن از جشنواره‌های ایرانی است؛ از سمیرغ بلورین جشنواره فیلم فجر تا سه پروانه زرین از جشنواره کودک و نوجوان اصفهان و دو تندیس طلا از جشنواره پویانمایی تهران این انیمیشن توانسته خط‌شکنی‌های بسیاری هم بکند که تا پیش از این سینمای انیمیشن ایران به‌هیچ‌عنوان متصور نمی‌شده است و با تمام ضعف‌هایی که دارد، در این سطح دیده شده که بتواند با بزرگ‌ترین آثار دنیا در اسکار رقابت کند؛ با اینکه «آخرین داستان» اولین تجربه ما در ساخت انیمیشن سینمایی است.

رهگذر درباره شرایط اکران فیلمش گفت: «متأسفانه در کشور خودمان در اکران با ما برخورد خیلی بدی شده است. از روز اول با چند سانس در سه سالن اکرانمان را شروع کردیم و تا امروز که نزدیک به دو هفته از آن می‌گذرد، سالن‌های نمایش ما به ۲۰ عدد رسیده است، آن هم با یکی، دو سانس در طول روز. گاهی هم در سالن‌های کوچک، درباره زمان سانس‌ها هم که دیگر چیزی نگویم؛ یا صبح هستند یا بعدازظهر، گاهی هم آخر شب‌ها». او ادامه داد: «بارها اعتراض کردیم، ولی صدامان به جایی نرسید. با توجه به سالن‌های کمی که داریم، فروش خوبی تا به امروز داشته‌ایم، ولی هیچ‌وقت تصور را نمی‌کردم که با حاصل یک دهه تلاشمان که توانسته در ۳۰ جشنواره جهان حضور پیدا کند و برای کشور خودش افتخار آفرینی کند، چنین برخورد ظالمانه‌ای شود.

رهگذر در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «برای من ترس دارد باز هم بخوام وارد ساخت اثر دیگری شوم که سال‌ها برایش زحمت بکشم و به راحتی در یک شورا، به نام شورای اکران به آن بی‌توجهی و ظلم شود و کنار گذاشته شود. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که باعث می‌شود تنوعی در سینمای ما نباشد و پذیرای اتفاقات نو و به‌روز نباشد، متأسفانه همین سیطره فیلم‌های کم‌دیی و اجتماعی است. به همین دلیل اجازه نمی‌دهند فیلم حماسی اسطوره‌ای مانند «آخرین داستان» بیاید و به شکل جدی بر پرده سینما نقش بیندند». رهگذر ادامه داد: «متأسفانه



همان برخوردی که با فردوسی؛ چه در مسیر نگارش شاهنامه و چه در پایان نگارش شاهنامه شد، امروز با «آخرین داستان» می‌شود؛ هم نامهربانی در مسیر تولید ۱۰ساله این انیمیشن که هیچ حمایت و توجهی در ایران به ما نشد، چه نامهربانی‌هایی که امروز در ورطه اکران آن را تجربه می‌کنیم. کاش مدیران سینمای ما کاری نکنند که اگر تعدادی جوان به‌تنهایی دست بر زانوهای خودشان می‌گذارند و بلند می‌شوند و می‌خواهند که برای فرهنگ مملکتشان کاری انجام دهند، نودیی به‌جز ناامیدی و شکست برایشان داشته باشد. این به معنی این نیست که «آخرین داستان» را شکست می‌دانم. تنها امیدوارم فضایی ایجاد شود تا آدم‌ها بتوانند به آینده خودشان امیدوار باشند. خارج از ایران از این انیمیشن استقبال خوبی شده است، افسوس که در وطن خودمان غریب مانده‌ایم».

لیلا حاتمى: علاقه من به شاهنامه عمیق است

لیلا حاتمى، صداییشه نقش شهزاده دختر جمشیدشاه در انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» است. او می‌گوید موضوع این انیمیشن سینمایی اولین دلیل علاقه‌اش برای حضور در این پروژه بوده است. او می‌گوید در گفت‌وگویی کوتاه درباره حضورش در این پروژه صحبت کرد.

انیمیشن «آخرین داستان» چه ویژگی‌هایی داشت که حضور در بخش صداییشکی این انیمیشن را پذیرفتید؟ شخصیت «شهزاده» را دوست داشتید؟
من همه کار را نتوانستم ببینم، اما تماشای تریلر این انیمیشن کافی بود تا مایل باشم این نقش را بپذیرم. به نظرم شکل نقاشی‌ها، نوع داستان‌گویی و انتخاب این داستان به‌عنوان موضوع انیمیشن با هم همگون و در جهت یکدیگر بود. بله و طبیعتاً شکل و شخصیت «شهزاده» را هم خیلی دوست داشتم. **شما بیش از این تجربه گویندگی چند مستند را داشتید. صداییشگی با گویندگی یک شخصیت انیمیشن فرصت استفاده از چهره را از بازیگر می‌گیرد، شما چطور با این چالش روبه‌رو شدید؟**
و این تجربه را چطور دیدید؟ این تجربه بر دیدگاه شما درباره انیمیشن چه تأثیری گذاشت؟
من فکر نمی‌کنم گویندگی به‌جای یک شخصیت این محدودیت را داشته باشد. اتفاقاً فرصت این ایجاد می‌شود که شما احساساتی که معمولاً می‌خواهید و



پرویز پرستویی: حتی جای خودم هم گویندگی کرده‌ام

پرویز پرستویی نیز که در این انیمیشن صداییشگی دو نقش «ارشیا» و «تهمورث» را برعهده دارد درباره حضورش در این پروژه گفت: «اولین بار نیست که من کار دوبله انجام می‌دهم، قبلاً هم در فیلم‌های داستانی، به‌خصوص در دوره‌ای که صدای سر صحنه هنوز باب نشده بود کار دوبله را انجام داده بودم. حتی جای خودم هم صحبت کرده بودم. پیش از این هم گوینده انیمیشن سینمایی «جمشید و خورشید» برادران یغمائیان بودم که آقای جلیلیان، مدیر دوبلاژ آن کار بود. بنابراین این دومین بار است که دوبله کار انیمیشنی را انجام می‌دهم». او با اشاره به اینکه اولین‌بار «آخرین داستان» را در مراحل تولید دیده است، گفت: «زمانی که در این‌ کار حضور پیدا کردم، آن را بسیار با‌اصطلاح لخت دیدم؛ یعنی بدون صداگذاری با مراحل فنی بعدی که باید روی آن انجام می‌شد و تماشای آن در همین مرحله هم برایم لذت‌بخش بود. چون به مقطعی از شاهنامه پرداخته شده که تاکنون کمتر به آن توجه شده است». «به همین دلیل وقتی خانم پاکروان پیشنهاد این کار را به من داد، بدون هیچ مکثی آن را پذیرفتم، چون احساس می‌کنم انجام این مدل کارها حتی از کار سینمایی زنده هم سخت‌تر است».

او ادامه داد: «منظورم این است که یک فیلم سینمایی داستان تعریف‌شده‌ای دارد، پیش‌تولید دارد و بعد هم دو ماه کار می‌کند و تمام می‌شود، ولی کاری که نزدیک به هشت، ۹ سال روی آن کار شود، بسیار پرزحمت است و همیشه این مدل کارها در جامعه ما قربانی می‌شوند». پرستویی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «چون هنوز انیمیشن خیلی در جامعه ما جا نیفتاده است. فکر می‌کنم انیمیشن «آخرین داستان» یکی از کارهایی است

هنر



پرویز پرستویی:

که بازخوردهای جهانی خوبی به دست آورده». پرستویی در پاسخ به این سؤال که گویندگی به دلیل استفاده‌نکردن بازیگر از چهره، بدن، گرم و لباس سخت‌تر نیست؟ گفت: «اتفاقاً به نظر من گویندگی در این کار بسیار سخت‌تر از بازی در فیلم سینمایی است. نه به‌خاطر اینکه فقط لباس و گرم نداشتیم، چون این کار فقط دوبله نمی‌خواهد؛ یعنی اینکه فقط صدای خوشی داشته باشید که مناسب شخصیت باشد». او رها باشید باز یاد تصویر نمود بر حس در چهره خودتان می‌افتند. اینجا می‌توانید صدای حس سینمایی زنده هستم. درست است که تصاویرش به شکل انیمیشن ساخته شده و حالا ما قرار است به‌جای آن شخصیت‌ها صحبت کنیم، ولی به اعتقاد من اگر قرار است تأثیر خوبی بگذارد، نباید فقط برای دوبله از صدای خوش و آهنگین استفاده کرد، بلکه باید با تمام وجود این نقش‌ها را بازی کرد تا با تماشای عجین شود. من که در اینجا دنبال چیزی نمی‌گردم. اصلاً در این پروژه‌ها حضور پیدا نکردم که بگویم من ۴۸ سال تجربه بازیگری دارم و حالا می‌خواهم تصمیم بگیرم که دوبله انجام دهم یا ندهم. من نسبت به کارهای این‌مدلی، خودم را می‌گویم، نمی‌خواهم برای همه نسخه ببیچم. احساس وظیفه می‌کنم و انجام آن برایم ادای دین است چون فکر می‌کنم ما کلی فیلم‌ها سینمایی داستانی با شکل‌وشمایل مختلف کار می‌کنیم و حالا جوانی که از ۲۳ سالگی ساخت فیلمش را شروع کرده، نیاز به ابزار دیگری برای به‌نتیجه‌رساندن اثرش دارد. اینجااست که ما باید به او کمک کنیم». پرستویی با اشاره به نام قدیمی‌تر انیمیشن گفت: «در قدیم کارتون‌ها طوری ساخته می‌شدند که حتماً باید تماشای آن کودک می‌بود. ولی «آخرین داستان» کاری جهان‌شمول است. تماشای آن می‌تواند بزرگ‌سال، میان‌سال یا حتی نوجوان باشد. اینجا همان جایی است که ما باید کمک کنیم این اتفاق بیفتد». پرستویی در پاسخ به این پرسش که خودش مخاطب انیمیشن هست یا خیر؟ گفت: «چرا که نه. البته در گذشته بیشتر نگاه می‌کردم. ولی انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» کار بسیار بزرگی است، درست است که شکل ساختاری آن انیمیشن است، ولی واقعاً شما قصه را دنبال می‌کنید. ما هم سهم کوچکی در این کار پرزحمت داشتیم». او درباره چگونگی پذیرفتن این دو نقش گفت: «درواقع پیشنهاد گویندگی دو نقش در «آخرین داستان» از طرف دوست آکادمیک از سینمای پاستی منگامه داد و گفت: سینمای مستند، سینمایی راستگو، صادق و اخلاق‌گراست؛ سینمای اشخاصی است که نظرات، اظهارات و ادعای‌های خود را درباره حقایق با اسناد معتبر همراه می‌کنند؛ سینمای مستند، سینمای افراد اهل تحقیق و تفکر است، سینمای افراد پیشرو، رادیکال، منتقد و معترض است ...».

پرویز پرستویی صداییشه اولین انیمیشن سینمایی ایرانی بوده است و حالا بعد از گذشت هشت، ۹ سال به انیمیشن دیگری صداییشکی را تجربه می‌کند. او درباره مسیر پیشرفت ساخت انیمیشن نیز گفت: «البته نمی‌خواهم قیاس کنم، چون همان‌موقع هم که ما به کارگاه‌های ساخت انیمیشن «جمشید و خورشید» رفتیم و از نزدیک کارشان را دیدیم، بسیار سخت بود. به نظرم باید بسیار برای این کارها تبلیغ شود تا برای بیننده جا بیفتد که برای تماشای انیمیشن به سینما بیاید. «آخرین داستان» به اعتقاد من کار بسیار جدی و بزرگی است و امیدوارم هر کاری که لازم است در کنارش انجام شود تا این کار بازتاب خوبی داشته باشد؛ مخصوصاً که قصه «آخرین داستان» بر اساس شاهنامه شکل گرفته است. گاهی شما یک داستان دم‌دستی را فیلم می‌کنید، ولی این کار، یک کار حماسی شناسنامه‌دار است. شاهنامه دروسی قدیمی طولانی دارد، حتی در بین عوام که در قهوه‌خانه‌ها و با نقالی آن را در بین خودشان حفظ می‌کردند، ولی تاکنون بر اساس شاهنامه کار نمایشی به ندرت انجام شده و حالا تصور کنید یک فیلم سینمایی درباره شاهنامه ساخته شده است که تماشاگر بزرگ‌سال را هم جذب می‌کند».

زیر آسمان فیروزهای

«طیاب» و «ضابطی جهرمی» تقدیر شدند

● مراسم بزرگداشت منوچهر طیاب و احمد ضابطی جهرمی به همت انجمن کارگردانان سینمای مستند ایران عصر پنجشنبه ۲۱ آذر در پردیس سینمایی چارسو برگزار شد. در این آیین که همه‌ساله ضمن برگزاری مراسم اختتامیه انجام می‌شود، محمد حمیدی‌مقدم، دبیر جشنواره و مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی؛ علیرضا رضاداد، مشاور رئیس سازمان سینمایی؛ سیدسلیم غفوری، مدیر شبکه مستند؛ مرتضی زراق کریمی، قائم‌مقام مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و همچنین خسرو سینیایی، همایون امامی، شهاب‌الدین عادل، حسین ترابی، ارد عطاری‌پور و فتح‌الله امیری حضور داشتند. محمد حمیدی‌مقدم، دبیر سیزدهمین جشنواره سینما حقیقت، در ابتدای این مراسم با اشاره به اینکه جشنواره سیزدهم حقیقت ادای دین ویژه‌ای به مفاخر سینمای مستند داشته است، گفت: امسال سال سینمای مستند بود و رشد قابل توجه این سینما با انسرژی مضاعف جوانان در بخش‌های مختلف این رویداد در کنار پاسداشت نسل گذشته بسیار ارزشمند است. من فکر کردم مراسم نگوداشت باید در جریان تپنده جشنواره برگزار شود. دبیر جشنواره در ادامه صحبت‌های خود به بیان ویژگی‌هایی از این دو هنرمند پرداخت و اضافه کرد: در دهه ۶۰ هر چه از سینمای مستند جهان خواندیدم و یاد گرفتم از ترجمه‌های دکتر ضابطی جهرمی بود. او در حوزه دانش نظری و ساخت مستند کار کرده و در همان سال‌ها آقای طیاب یک مثال بی‌بدیل در مستندسازی برای نسل ما بود و هیچ‌کس با او توان رقابت نداشت. عشق به ایران و سفر، پیونددهنده جهان مستندسازی این دو بزرگوار است. سفر، یادگیری و یله‌یله پیش‌رفتن مشخصه این دو هنرمند باسابقه است که باید آن را به جوانان هم بیاموزیم. در ادامه مراسم و در بخش تقدیر از احمد ضابطی جهرمی، مستند «سنگ جان» که روند ساخت سردبسی از این هنرمند بود، به نمایش درآمد.

شهاب‌الدین عادل، پژوهشگر سینمای مستند، در سخنانی درباره سال‌های دویستی و همکاری با دکتر ضابطی جهرمی گفت: او را از سال ۱۳۵۴ می‌شناسم و اولین‌باری که او را دیدم در زیرزمین دانشگاه هنرهای دراماتیک بود، زیرا می‌خواستند یادداشت‌هایی را درباره سینمای برزیل به مرحوم پرویز شفا نشان دهند. من در آن زمان سال اول بودم و دکتر ضابطی جهرمی سال یابانی، وقتی ایشان فارغ‌التحصیل شدند دکتر شفا به من گفت او یکی از فارغ‌التحصیلان بسیار با دانش و مسلط به زبان انگلیسی است که آینده درخشانی دارد و من هم در این سال‌ها چیزی جز این موضوع ندیدم. او ادامه داد: ایشان جدای از شخصیت علمی‌شان که برای همه ما یازنده است، در حوزه سینمای شوروی، سینمای مستند، ارتباط آن با سینما آثار متعددی در تالیف و ترجمه کردند و علاقه بسیاری به نظریه دارند و همچنین باید گفت هیچ مرکز آموزشی و دانشنده سینمایی نبوده که دکتر ضابطی جهرمی نقشی در تأسیس آن نداشته باشند، در هر بخشی از سینمای کشور ردپایی از این استاد وجود دارد. سپس با حضور محمد حمیدی‌مقدم و سلیم غفوری نشان فیروزه جشنواره حقیقت به احمد ضابطی جهرمی اهدا شد. ضابطی جهرمی با بیان اینکه این مراسم باید با بزرگداشت آقای طیاب آغاز می‌شد، به فیلمی که در ابتدای مراسم پخش شد، اشاره کرد و گفت: استاد رها تندبسی را که در فیلم مشاهده کردید، برای من ساختند. این تندبسی در زاده‌ام کار گرفته است. مردم زادگاه من مجموعه مستندی را که در مدح نخل -درختی که من نوجوانی‌ام را با آن سپری کردم- ساختم،م، بسیار دوست دارند و برایم جالب است که با یک مستند این چنین ارتباط برقرار شده است.

ضابطی جهرمی در بخش پایانی صحبت‌هایش تعریفی آکادمیک از سینمای پاستی منگامه داد و گفت: سینمای مستند، سینمایی راستگو، صادق و اخلاق‌گراست؛ سینمای اشخاصی است که نظرات، اظهارات و ادعای‌های خود را درباره حقایق با اسناد معتبر همراه می‌کنند؛ سینمای مستند، سینمای افراد اهل تحقیق و تفکر است، سینمای افراد پیشرو، رادیکال، منتقد و معترض است ...».

در ادامه مراسم که به تقدیر از منوچهر طیاب اختصاص داشت، همایون امامی درباره این هنرمند پیش‌سکوت و سال‌های فعالیتش متنی را نوشته بود که در بخشی از آن آمده است: طیاب معاری خوانده است، پس طبیعی است که نخستین مستندسازی باشد که در مجموعه‌ای ماندگار معماری ایران را به خاطر جنس منحصربه‌فردش ثبت کند. مجموعه معماری ایران ساخته و عرضه می‌شود که امروزه همچنان کارکرد و طراوت خود را دارد؛ به‌ویژه در مسجدهجامع که نه با رویکردی اطلاعاتی که با دیدی هنری حس عبور از برابر این موسیقی منجمد را به‌خوبی به تو منتقل می‌کند. بر برابر کارنامه سینمایی طیاب، ساعت‌ها می‌توان سخن گفت.

سپس با حضور خسرو سینیایی و محمد حمیدی‌مقدم نشان فیروزه‌ای جشنواره سینماحقیقت به منوچهر طیاب اهدا شد.

منوچهر طیاب نیز پس از دریافت لوح و تندیس خود با تأکید بر اینکه من این بزرگداشت را شخصی نمی‌بینم، بلکه بزرگداشتی برای سینمای مستند کشور است، گفت: ما روزی وارد این مملکت شدیم که چیزی به عنوان سینمای مستند نبود و ما هم نمی‌دانستیم در چه راهی قدم می‌گذاریم اما وقتی فیلم «سفال» را ساختم و آن را روی پرده دیدم، به خود گفتم، آرزو دارم در ایران سینمای مستند با بگیرد.